

الحمد لله الذي جعل  
 القرآن الكريم  
 كتاباً لا يغيره  
 الزمان ولا يغيره  
 المكان ولا يغيره  
 المصالح ولا يغيره  
 الأضداد ولا يغيره  
 الموت ولا يغيره  
 الحياة ولا يغيره  
 الدنيا ولا يغيره  
 الآخرة ولا يغيره  
 اللهم صل على محمد  
 وآل محمد  
 صلواتك عليهم  
 في كل وقت  
 وأمرهم بالصالحات  
 والمنهاج  
 والجمعة  
 واليوم  
 الآخر  
 آمين

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته ی حقوق جزا و جرم

شناسی

**عنوان:**

**محکومیت کیفری موثر: بررسی حقوقی و جرم شناختی**

استاد راهنما:

دکتر محمد علی بابایی

استاد مشاور:

دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

نگارنده:

محبوبه شیرکوند

تابستان ۱۳۹۰

تقدیم به:

دو شخصیت اهورایی زندگی ام

آن دو که چونان خدایان زمینی سزاوار ستایش اند

و برای من همچو دو نستوه، دو فروغ هدایت، دو خواستنی و ستودنی و ماندنی تا ابد؛

« پدر و مادرم »

که با وجودشان همیشگی خواهم بود.

## چکیده

از نظر قانونگذاران و سیاستگذاران جنایی، محکومیت به برخی از جرایم به دلیل خطرناکی مرتکبین آن ها، موثر قلمداد شده است، به طوری که علاوه بر تحمیل مجازات اصلی، بزه کاران را از برخی از حقوق اجتماعی و مدنی محروم می کند. همچنین در صورت تکرار جرم، مجازات مشدد را بر او تحمیل کرده و گاهی نیز موجب محرومیت مجرم از تدابیر ارفاقی مانند تعلیق و آزادی مشروط خواهد شد. در واقع قانونگذار در برابر این دسته از افراد اقدام به طراحی یک نوع «مدیریت در مقابل خطر» می نماید تا بدین وسیله اجتماع را در مقابل گروه خاصی از بزهکاران ایمن کند. در این صورت اگر محکومیت های قطعی با جرایم و مجازات های مشخص شده انطباق یابد موثر شناخته می شود.

آثار ناشی از محکومیت های خاص که بعضی از آن ها در قالب های متفاوتی ظاهر شده اند و با هدف صیانت از جامعه و اصلاح بزهکار اعمال می گردند، از سوی جرم شناسان مورد انتقاد قرار گرفته است و پیشنهاداتی نیز برای تأثیرگذاری بیشتر آن ها در زمینه اصلاح بزهکاران ارائه شده است.

ماده واحده قانون تعریف محکومیت های موثر در قوانین جزایی مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحی ۱۳۸۲، همچنین ماده ۶۲ مکرر ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۷، مهم ترین نصوص قانونی حاکم بر محکومیت موثر کیفری است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به تصویب رسیده است.

با وجود این که اثرات ناشی از محکومیت های موثر با هدف صیانت از جامعه در برابر مجرمین خطرناک و ممانعت از ورود آن ها به مواضع حساس اجتماعی صورت می گیرد، اما تداوم همیشگی آن ها موجب می شود که اثرات مزبور جنبه اصلاحی و بازدارندگی خود را از دست داده و فرصت ها و موقعیت های لازم جهت حضور فعال و موثر بزهکاران را در عرصه اجتماع سلب و برای همیشه آن ها را به عنوان مجرمان خطرناک به جامعه معرفی کند، در حالی که اگر عواقب ناشی از محکومیت های موثر به موقع پایان یابند، کارساز و مفید خواهند بود. در نتیجه ضروری است تحمیل اثرات مزبور محدود به زمان خاص باشد، تا جایی که بعد از سپری شدن این مدت مجرم قادر باشد با استفاده از اعاده حیثیت حقوق و آزادی های از دست رفته را بازیابد. بدین منظور ماده ۶۲ مکرر ق.م.ا، گامی هر چند ناقص در راستای پذیرش اعاده حقوق اجتماعی به محکوم برداشته است.

کلید واژه ها: محکومیت کیفری موثر ، حقوق اجتماعی، تکرار جرم، اعاده حیثیت.

## تقدیر و تشکر

چه سزاوار ستایش اند انسان هایی که خداوند منان را برای نخواستن ها و نداشتن هاییش می کنند. آن دم که نکاشتند پروردگارا:

«به ما توفیق تلاش در شکست، صبر در نومی، رفتن بی همراه، جهاد بی سلاح، کار بی پاداش، فداکاری در سکوت، دین بی دنیا، مذهب بی

عوام، عظمت بی نام، خدمت بی نان، ایمان بی ریا، خوبی بی نمود، کتانی بی حامی، مناعت بی غرور، عشق بی هوس، تنهایی در انبوه

جمعیت، دوست داشتن بی آن که دوست بدانند، روزی کن» «دکتر شریعتی»

پس از آنجا که همیشه خواهان بهترین و شایسته ترین نمودها و پنداره برای آنان که رقم زننده خیر و نیکی اند، بوده ام، به رسم سپاس گذاری،

وظیفه خود می دانم مراتب قدردانی و تشکر خود را نسبت به اساتید بزرگوار، دکتر محمد علی بابایی و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی بیان

دارم.

در پایان از دوست و همکلاسی کرامی ام که در طول نگارش نوشته حاضر از ارشادات و حمایت های ایشان بهره مند بوده ام، سرکار خانم

مریم نوازی و هم چنین از خانواده ام که همواره مورد لطف و عنایتشان قرار داشته ام، تشکر می کنم.

بخش اول: بررسی حقوقی

فصل اول: تاریخچه و آثار محکومیت کیفری موثر

مبحث اول: تاریخچه محکومیت کیفری موثر

گفتار اول: سابقه محکومیت کیفری موثر در حقوق عرفی

گفتار دوم: سابقه محکومیت موثر در حقوق کیفری اسلام

گفتار سوم: سابقه محکومیت کیفری موثر در حقوق موضوعه

مبحث دوم: آثار محکومیت کیفری موثر

گفتار اول: محکومیت موثر در مورد تکرار جرم

الف آثار محکومیت موثر در مجازات تکرار کنندگان جرم

۱ محرومیت برخورداری از تعلیق تعقیب

۲ محرومیت برخورداری از تخفیف مجازات

۳ بازداشت اجباری

۴ تشدید مجازات

۵ محرومیت برخورداری از تعلیق مجازات

۶ محرومیت برخورداری از آزادی مشروط

ب مصادیق محکومیت های مشمول تشدید مجازات و سالب حقوق

گفتار دوم: آثار محکومیت کیفری موثر بر حقوق اجتماعی محکوم علیه

الف مفهوم حقوق اجتماعی

ب ماهیت فقهی محرومیت از حقوق اجتماعی

ج ماهیت حقوقی محرومیت از حقوق اجتماعی

۱ محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات اصلی

۲ محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تکمیلی

۳ محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی

۴ محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان اقدام تامینی و تربیتی

۵ محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان قرار محدود کننده

د عواقب و آثار حکم محرومیت از حقوق اجتماعی

هـ مصادیق محکومیت های مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی

فصل دوم: زوال محکومیت کیفری موثر

مبحث اول: مفهوم، مبانی، آثار و انواع اعاده حیثیت

..... ۵۰

گفتار اول: مفهوم اعاده حیثیت

۵۱

گفتار دوم: مبانی و آثار اعاده حیثیت

۵۲

الف) مبانی

۵۲

ب) آثار

۵۴

گفتار سوم: انواع اعاده حیثیت

۵۴

الف) اعاده حیثیت قضایی (اختیاری)

۵۵

ب) اعاده حیثیت قانونی (قهری)

۵۶

مبحث دوم: اعاده حیثیت در حقوق ایران

..... ۵۷

## بخش دوم: بررسی جرم شناختی

### فصل اول: آثار محکومیت کیفری موثر در پرتو مطالعات جرم شناختی

..... ۶۸

مبحث اول: تشدید مجازات

..... ۶۸

گفتار اول: مفهوم تکرار جرم

۶۸

گفتار دوم: انواع مجرمین مکرر

۷۰

الف) تکرارکنندگان حرفه ای

۷۰

ب) تکرارکنندگان به عادت یا مزمن

۷۲

ج) تکرارکنندگان اتفاقی

۷۳

گفتار سوم: رویکردهای پیش گیرانه از تکرار جرم

۷۴

الف) رویکرد کیفری ناظر به تکرارکنندگان جرم

۷۵

۱. الگوی کیفری سنتی

۷۵

۲. الگوی کیفری مدرن (احیاء اندیشه سزادهی)

۸۷

۱-۲. علل احیاء اندیشه سزادهی

۸۸

۲-۲. مبانی فکری نظریه سزادهی

۹۳

۳-۲. اصول حاکم بر مجازات ها در اندیشه سزادهی

۹۴

۴-۲. محدودسازی سزادهی

۹۷

۵-۲. تکرار جرم در تئوری سزادهی

۹۸

۳. تاثیر الگوی کیفری در شکل گیری سیاست جنایی ایران، ناظر به تکرار جرم

۹۹

۴. انتقادات وارد بر رویکرد کیفری

۱۰۷

ب) رویکرد اصلاحی ناظر به تکرارکنندگان جرم

۱۱۴

ج) رویکرد ترمیمی ناظر به تکرارکنندگان جرم

۱۲۰

۱. ظهور و گسترش پارادایم ترمیمی عدالت کیفری

۱۲۰

۲. اصول و اهداف حاکم بر عدالت ترمیمی

۱۲۴

۱-۲. اصول

۱۲۴

۲-۲. اهداف

۱۲۵



۱۲۶	۳. نقش عدالت ترمیمی در مقابله با بزه کاری
۱۳۴	(د) رویکرد مدیریتی خطرمدار
۱۳۵	۱. جلوه ها و نمودها
۱۳۶	۲. <u>تبلور اندیشه رویکرد نوین در حقوق کیفری ایران</u>
۱۳۶	۱-۲. سیر قانون گذاری مربوط به اعمال نظارت تأمینی در حقوق ایران
۱۳۷	۲-۲. نگاه اجمالی به ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی
.....۱۳۹	مبحث دوم: محرومیت از حقوق اجتماعی
.....۱۴۵	نتیجه گیری و پیشنهادات
.....۱۵۲	منابع و مآخذ

## اختصارات

ق.م.ا: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵.

ق.م.ع: قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ با اصلاحات بعدی.

ق.ت.د.ع.ا: قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی.

ق.آ.د.د.ع.ا: قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.

ق.ت.م.م: قانون تعریف محکومیت های موثر در قوانین جزایی مصوب ۱۳۶۶.

قانون حقوق شهروندی: قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳.

ق.م: قانون مدنی.

ق.ت: قانون تجارت.

ق.ا: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحات ۱۳۶۸.

ق.ا.ح: قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹.

ق.م.م: قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹.

## مقدمه

### الف. بیان مسئله

گاهی با صدور حکم محکومیت و لازم الاجراء شدن آن و در نتیجه اجرای تمام مجازات های مندرج در حکم محکومیت اعم از اصلی و تکمیلی، جامعه احساس می کند با توجه به نوع جرم ارتكابی و یا تعدد سوابق کیفری مجرم، مجازات های اعمال شده برای اصلاح و بازسازی بزهکار کافی نیست و وجدان عمومی که بر اثر ارتكاب جرم جریحه دار شده التیام نمی یابد و از طرفی اجتماع آمادگی پذیرش مجدد مجرم را ندارد و بدین ترتیب نمی تواند او را در پست ها و جایگاه های حساس و کلیدی خود بپذیرد. این احساس قابل احترام و هوشمندانه است؛ زیرا نمی تواند شخصی را که تا چند ماه قبل با سوء استفاده از مقام خود در یک اداره دولتی، به هدف کسب منافع اقتصادی کلان، دست به اختلاس یا ارتشاء زده است، چندی بعد در همان جایگاه مشاهده کند. در چنین شرایطی که افکار عمومی حالت خطرناک این دسته از بزه کاران را درک کرده و خواستار واکنش شدیدتر و مدبرانه تری در برابر آن هاست، قانون گذار بر آن شد علاوه بر تحمیل مجازات اصلی، برخی محدودیت ها یا محرومیت های اجتماعی و مدنی را بر وی تحمیل کند یا مرجع قضایی را ملزم کند تا بزه کار را در صورت تکرار جرم به مجازاتی بیش از مجازات اصلی محکوم نماید.

بعد از اتمام مجازات ها و محدودیت های مزبور انتظار می رود که دغدغه ها و تردیدهای متعدد نسبت به ندامت و اصلاح مجرم به طور کامل برطرف گردد. البته باید دانست قانون گذار در هنگام تدوین قواعد و مقررات محدود کننده، علاوه بر حمایت از جامعه و مصون نگه داشتن آن از خطرات احتمالی، مصلحت بزه کار را نیز به جهت فراهم آوردن موقعیت های مساعد تنبیه و تأدیب و دور کردن او از موقعیت های مخاطره آمیز و وسوسه کننده، در نظر داشته است.

با این وجود با گذشت زمان و کسب تجربیات متفاوت این نتیجه حاصل گردید که تنها با اعمال مجازات های خشن و شدت بخشیدن به کیفرها و اعمال محرومیت ها نمی توان به پیش گیری از ارتكاب جرم چندان امیدوار بود. تا این که با ظهور و بسط جرم شناسی و مطالعات کیفر شناختی تلاش برای باز سازی و درمان بزهکاران، بر اعمال مجازات های خشن برتری یافت. مجرمین مکرر و خطرناک بعنوان بیمار معرفی شدند و زندان بعنوان بهترین مکان برای درمان و بازپروری مجرمین به عادت و مکرر شناخته شد اما این راه کار نیز آن طور که انتظار می رفت در ممانعت از تکرار جرم و اصلاح مجرمین به دلایل زیادی از جمله ازدحام جمعیت زندانیان، نداشتن امکانات و بودجه کافی برای حمایت و هدایت بزهکاران بعد از آزادی و...موفق نبود.

شاید بتوان گفت برای ممانعت از تکرار جرم و اصلاح افراد این امکان وجود دارد که به کیفرهای اجتماعی که در صدد متنوع ساختن پاسخ های کیفری هستند و تلاشی برای کامل کردن مجازات ها محسوب می شوند، تکیه کرد. از جمله استفاده از عدالت ترمیمی در مقابل عدالت کیفری بعنوان ساختار فلسفی که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می کند.

بعنوان جدیدترین راهکاری که کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی بعد از تجربه جنبش بازگشت به کیفر و سرکوب گری و الگوهای حمایتی و درمانی نسبت به بزهکاران خطرناک و پیشینه دار، باید از روش نوین مدیریتی و کنترلی خطر محور نام برد که با عناوین مختلف عدالت سنجشی، تخمینی، آماری و... شناخته شده است. جنبش مذکور با پذیرش وجود خطر در جامعه و طبیعی انگاشتن این پدیده، تنها در پی حفظ امنیت اجتماع از طریق مدیریت و کنترل ریسک گروه های خطر دار است.

در هر صورت، از آن جا که انسان جایز الخطاست، انتظار می رود بعد از تحمل مجازات اصلی و محرومیت ها، با استفاده از تأسیس حقوقی اعاده حیثیت آثار ناخوشایند محکومیت موثر رفع یا تقلیل یافته و بزهکار به جریان زندگی عادی خود بازگردد. چرا که در غیر این صورت، علاوه بر تباهی عمر محکوم علیه، تداوم آثار محکومیت نه تنها سازنده و مصلح نخواهد بود، بلکه زمینه حضور مداوم شخص را در ورطه بزهکاری فراهم می آورد و جامعه را نیز از برخورداری از استعدادهای مولد محروم خواهد کرد.

#### ب. سوال های تحقیق

۱. آیا محرومیت ها و تشدیدهای ناشی از محکومیت موثر مناسب ترین روش برای پیشگیری از تکرار جرم است؟

۲. آیا محکومیت های موثر در مقایسه با محکومیت های غیر موثر تفاوت چشم گیری دارند؟

۳. از نظر حقوقی و جرم شناسی آیا محکومیت موثر دلالت بر وجود حالت خطرناک در مجرم را دارد؟

#### ج. فرضیه های تحقیق

۱. محرومیت ها و تشدیدهای مذکور تنها راه حل مناسب برای پیش گیری از تکرار جرم محسوب نمی شوند.

۲. تفاوت اساسی و قابل تاملی بین محکومیت های موثر و غیر موثر وجود دارد.

۳. داشتن محکومیت موثر الزاما دلیل محکمی بر خطرناک بودن نیست.

#### د. سوابق پژوهشی تحقیق

تحقیقات و بررسی های چندی پیرامون موضوع ماده ۶۲ مکرر بعنوان اولین ماده ای که بعد از یک رکود طولانی قانون در مورد اعاده حیثیت بعد از انقلاب به این موضوع شکلی قانونی بخشید، یافت می شود. معمولاً در این تحقیقات توضیحاتی در مورد بندهای سه گانه این ماده و بررسی حقوق اجتماعی ذکر شده در آن و پاسخ به این سوال که آیا این ماده در جهت احیا مفهوم اعاده حیثیت بطور عام اقدام کرده یا خیر، قدم برداشته شده است و همچنین بررسی های بسیار زیادی پیرامون انتخاب بهترین راه کار برای مقابله با تکرار جرم و پیشگیری از آن و به عادت شدن بزه کاری صورت گرفته است. در ادبیات حقوقی به طور مستقل به این موضوع پرداخته نشده است فقط در بعضی از کتاب های حقوق جزای عمومی مانند حقوق جزای عمومی جلد دوم دکتر محمد علی اردبیلی، کتاب جلد دوم دکتر پرویز صانعی و جلد دوم حقوق جنایی دکتر عبد الحسین علی آبادی به اختصار به این موضوع اشاره شده است.

#### ه. روش تحقیق

روش تحقیق بصورت توصیفی - تحلیلی است لذا به منابع و ماخذ مراجعه می شود؛ مطالب مورد نظر استخراج و نهایتاً به تحلیل موضوع پرداخته می شود. عمده مطالعات بصورت کتابخانه ای بوده و تا آن جا که مقدور باشد از اطلاعات مراجع قضایی نیز استفاده خواهد شد. برای انجام این تحقیق به کتب و مقالات موجود و سایت های معتبر حقوقی مراجعه می شود.

#### و. ساماندهی پژوهش

تحقیق پیش رو از دو بخش تشکیل شده است. در بخش نخست که به بررسی محکومیت کیفری موثر از جنبه حقوقی پرداخته می شود فصل اول به توضیح در رابطه با تاریخچه محکومیت کیفری موثر (مبحث اول) در حقوق عرفی (گفتار اول) در حقوق کیفری اسلام (گفتار دوم) و در حقوق موضوعه (گفتار سوم) و آثار ناشی از این محکومیت ها (مبحث دوم) بروی تکرار جرم (گفتار اول) و بر حقوق اجتماعی محکوم علیه (گفتار دوم) اختصاص داده می شود. در فصل دوم از این بخش زوال محکومیت کیفری موثر (اعاده حیثیت) از نقطه نظر مفهوم (گفتار اول)، مبانی و آثار (گفتار دوم) و انواع (گفتار سوم)، در مبحث نخست مورد

بررسی قرار می‌گیرد. در انتها نیز به بررسی وضعیت این نهاد در حقوق کیفری ایران (مبحث دوم)، پرداخته می‌شود.

بررسی جرم شناختی محکومیت کیفری موثر در بخش دوم انجام خواهد شد. عمده مطلب شامل آثار ناشی از محکومیت های کیفری موثر (فصل اول) خواهد بود. در آغاز اثر تشدید مجازات (مبحث اول) از طریق پرداختن به مفهوم تکرار جرم (گفتار اول)، انواع تکرار کنندگان جرم (گفتار دوم)، رویکردهای پیش گیرانه از تکرار جرم (گفتار سوم) از جمله رویکرد کیفری، اصلاحی، ترمیمی، مدیریتی خطرمدار، بررسی خواهد شد. و در نهایت، اثر محرومیت از حقوق اجتماعی در مبحث دوم مطرح می‌شود.

# بخش اول

## بررسی حقوقی

## فصل اول: تاریخچه و آثار محکومیت کیفری موثر

جرم پدیده ای است به هنجار، به این معنی که جامعه ای را نمی توان یافت که از این پدیده در امان باشد. اما حقوق دانان تلاش می کنند با اتخاذ سیاست جنایی مناسب در کاهش آن گامی موثر بردارند، از آن جمله می توان به نشان دار کردن برخی از جرایم و محکومیت های ناشی از آن ها اشاره کرد.

در این فصل به بررسی تاریخچه این نوع از محکومیت ها و آثار و تبعات ناشی از آن ها پرداخته می شود.

### مبحث اول: تاریخچه محکومیت کیفری موثر

محکومیت کیفری زمانی موثر است که علاوه بر تحمیل مجازات اصلی بر فرد او را از برخی از حقوق مدنی و اجتماعی و برخی از تدابیر ارفاقی موجود در قانون مانند تعلیق و آزادی مشروط محروم کند و یا هرگاه بزهکار مجددا مرتکب جرم شد در تشدید مجازات جرم مکرر موثر واقع شود. ویژگی بارز محکومیت کیفری موثر این است که هیچ گاه در دادنامه صادره از سوی مراجع قضایی به آن تصریح نمی شود و تنها به دلالت مستقیم قانون گذار و به موجب نص قانونی هم چون سایه سنگینی بزهکار را همراهی خواهند کرد. در این زمینه اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۱۳۷۹/۷/۲۳-۷/۷۳۵۱ مقرر داشته است: «صرف محکومیت به مجازات های مندرج در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی موجب محرومیت از حقوق و موجب سوء پیشینه کیفری خواهد شد و قید محرومیت اجتماعی در متن حکم لازم نیست»<sup>۱</sup>.

محکومیت موثر و آثار ناشی از آن دارای ریشه تاریخی است که با گذر زمان و تحول در اهداف و کارکرد مجازات ها، شیوه های اجرایی متفاوتی را تجربه کرده است. در این بخش تلاش می شود رد پای اعمال و احتساب محکومیت های موثر را در حقوق عرفی، حقوق اسلامی و حقوق موضوعه دنبال شود.

### گفتار اول: سابقه محکومیت کیفری موثر در حقوق عرفی

در طول اعصار گذشته مجازات های که بر تبهکاران اعمال می شد دارای خصیصه ترذیلی و تشهیری بودند؛ به طوری که با اجرای مجازات ها، مجرمان خوار و پست و رسوا می شدند و به آبرو و حیثیت اجتماعی آن ها لطمه وارد می شد. در چنین شرایطی اعتماد عموم از مجرمان سلب می شد و از ورود آنان در

---

<sup>۱</sup> سید مهدی حجتی، مجتبی باری، قانون مجازات در نظم حقوق کنونی، چاپ اول، نشر میثاق عدالت، تهران، ۱۳۸۴، ص



بسیاری از فعالیت های اجتماعی ممانعت به عمل می آمد. به زعم اعضای جامعه نیز ضرورت داشت که بزه کاران به عنوان افراد خطرناک به مردم معرفی شوند تا مبادا با حضور در عرصه های مختلف اجتماعی منافع آن ها به خطر بیفتد. به همین منظور راه های متفاوتی برای شناساندن مجرم و جدا کردن او از دیگر افراد اجتماع در پیش گرفته شد، از آن جمله در ابتدای قرن چهاردهم میلادی، گذاشتن داغ آتشین روی دستان قاتل در انگلستان، یا بروی شانه های سارق در فرانسه بسیار متداول بود. تا جایی که این روش در بیشتر کشورهای اروپایی به ویژه کشور های شبه جزیره ایبری (اسپانیا و پرتغال) اجرا می شده است. از روش قطع اعضای بدن و نشان داغ گذاری برای بازشناسی تکرار کنندگان جرم استفاده می کردند.

جدای از قطع اعضای بدن، صدمه های بدنی از طریق اجرای مجازات شلاق بر مجرم وارد می شد و در مراسم اجرای آن مجرمان مورد نفرت و تحقیر عموم قرار می گرفتند. در انگلستان زنان را بروی گاری های کودکش<sup>۱</sup> قرار داده و در محل وقوع جرم می گرداندند، در این میان کسی ماجرا را به اطلاع همه می رساند و محکوم را به هدف شناساندن، وادار به راه رفتن در انظار عمومی می کردند.<sup>۲</sup> در مورد برخی مجرمان به لحاظ حساسیت جرم ارتكابی، عملیات بازشناسی و معرفی مجرم به جامعه حتی بعد از مرگ آن ها نیز صورت می گرفت. نویسنده فرانسوی به نام آیرد<sup>۳</sup> می نویسد: «همان طور که برای یکی از مردگانی که خدمت نموده اند تشییع جنازه رسمی بر پا کرده و مجسمه آن ها را در میادین عمومی نصب می نمایم، قاب های گل نثار قبورشان می کنیم، به همان ترتیب نیز باید حق داشته باشیم نام کسانی را که مرتکب خیانت شده اند با زشتی در تاریخ ذکر نمایم»<sup>۴</sup>.

بدین ترتیب، در زمان های گذشته با اجرای بعضی مجازات ها در ملاء عام یا با نمایش محکوم در میدان های عمومی، اقدام به تشهیر و خوار کردن مجرم می کردند. اما با گذشت زمان خصیصه رسوا کنندگی و خوارکنندگی مجازات ها از طرف برخی حقوق دانان مورد انتقاد قرار گرفت. منتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵)، نویسنده کتاب روح القوانين، از جمله این منتقدان است که به مردمان هم عصر خود درس بزرگ اغماض و ملایمت و اعتدال داد و مجازات های مفتضح و رسوا کننده از جمله دو مجازات «بستن به تیر با طوق آهنین به گردن» و «در معرض دید مردم گذاشتن مقصر روی اسباب مخصوص» را به باد انتقاد گرفت.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>. Tumbrel.

<sup>۲</sup>. رنه مارتینو، تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ترجمه محمد رضا گودرزی بروجردی، چاپ دوم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۵، صص ۵۲-۵۱.

<sup>۳</sup>. Ayraud.

<sup>۴</sup>. هوشنگ شامیانی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ سیزدهم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۵۹.

<sup>۵</sup>. عزیز الله ملک اسماعیلی، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵، ص ۱۶.

## گفتار دوم: سابقه محکومیت موثر در حقوق کیفری اسلام

در نظام اسلامی و مقررات کیفری اسلام، جز در موارد استثنایی و محدود، علی‌الاصول احکام کیفری فاقد آثار تبعی هستند و فردی که مجازات خود را تحمل می‌کند، بدون هیچ‌گونه مانعی به جامعه باز می‌گردد و حقوق از دست رفته خود را باز می‌یابد. اما در برخی موارد افراد فاسق و فاقد عدالت از ایفای برخی از نقش‌ها به علت فقدان شروط مربوط به تصدی آن‌ها، به لحاظ رعایت مصالح خود شخص و اعضای جامعه، باز می‌مانند؛ از جمله امامت جماعت مسلمین، قضاوت و شهادت. در این گفتار به توضیح موارد محرومیت از حق ادای شهادت و ایفای نقش قضاوت پرداخته می‌شود.

۱. محرومیت از حق ادای شهادت: شهادت یکی از مهم‌ترین ادله اثبات دعوا در نظام حقوقی به حساب می‌آید و دارای سابقه تاریخی است؛ به طوری که از گذشته‌های دور در قانون نامه حمورابی، قانون بابل و دیگر قوانین دنیای باستان، به عنوان یکی از دلایل مهم در اثبات دعاوی کاربرد داشته است. در فقه امامیه، اهمیت شهادت به حدی است که رای قاضی محکمه تابع شهادت شهود می‌باشد و شهادت و بینه شرعی که واجد صلاحیت و شرایط لازم در شرع باشد، موضوعیت دارد و دادرس موظف به صدور رای بر اساس مقتضای شهادت خواهد بود.<sup>۱</sup>

در نتیجه، با توجه به حساسیت موضوع در فقه و به دنبال آن در قانون، شخصی که به عنوان شاهد معرفی می‌شود برای پذیرش شهادتش باید دارای شرایط ویژه ای باشد. این شرایط عبارت است از: بلوغ، عقل، اسلام، ایمان، حلال زاده بودن، ذی نفع نبودن و عدالت. از میان صفات لازم برای شاهد، داشتن عدالت یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها محسوب می‌شود. عدالت در تحریر الروضه فی شرح اللمعه چنین تعریف شده است: «و هی هیئة نفسانیة راسخة تبعث علی ملازمة التقوی و المروه و تزول بالکبیره مطلقاً و الاصرار علی الصغیره و هی مادون الکبیره من الذنب... و بترك المروه، و هی التخلُّقُ بِخُلُقِ أمثاله»<sup>۲</sup>، «عدالت عبارت از حالت روانی راسخی است که فرد را وادار به رعایت تقوا و دوری از کارهای خلاف شأن می‌کند. عدالت با ارتکاب هر نوع گناه کبیره و اصرار نمودن بر گناه صغیره، یعنی گناهی که پایین‌تر از گناه کبیره است، از بین می‌رود... و با ترک مروت نیز از بین می‌رود و مراد از مروت، آراسته بودن به اخلاق هم‌صنغان خود است...». بر این اساس، ارتکاب یک سری از جرایم موجب سلب صفت عدالت از مرتکب خواهند شد و در نتیجه این اشخاص حق نخواهند داشت در دعاوی قضایی برای نفی یا اثبات چیزی شهادت دهند و در

<sup>۱</sup> سعید توکلی، ارزش شهادت و حدود و اعتبار آن در نظام حقوقی ایران، ماهنامه دادرسی، سال دهم، شماره ۵۶، ۱۳۸۵، ص

۸

<sup>۲</sup> علی رضا امینی، محمد رضا آیتی، تحریر الروضه فی شرح اللمعه، جلد دوم، چاپ هشتم، انتشارات سمت و مؤسسه فرهنگی طه، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۵۷.

صورت اقدام به چنین کاری، گواهی اشان پذیرفته نمی شود. از آن جا که برخی از این جرایم به طور مشخص در کتب فقهی نام برده شده اند، به چند نمونه از آن ها اشاره می شود:

قذف: قذف، نسبت دادن زنا یا لواط به یک مسلمان عقیف است. در صورتی که قاذف نتواند ادعای خود را اثبات کند، علاوه بر این که به هشتاد تازیانه محکوم می شود، به عنوان مجازات تبعی از حق ادای شهادت نیز محروم می شود. حد قذف، حق الناس است و اجرای آن منوط به درخواست مقذوف است لذا با گذشت شاکی خصوصی، حد ساقط می شود اما کیفر تبعی کماکان باقی است و تا زمانی که مجرم توبه نکرده است حق ادای شهادت ندارد. در این باره علامه حلی می گویند: «لَا تَقْبَلُ شَهَادَةَ الْقَاذِفِ وَلَوْ تَابَ قَبْلَ»<sup>۱</sup> «شهادت قاذف پذیرفته نیست. اما اگر توبه کند، پذیرفته می شود». در آیه ۴ سوره مبارکه نور نیز آمده است: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَنِينَ جُلْدَةً وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»، با توجه به عبارت «لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا» مشخص می شود این محرومیت تا پایان عمر برای آن ها مقرر شده است. البته در آیه بعدی خداوند درهای غفران را بروی خطاکاران می گشاید و می فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» «مگر آن هایی که بعد از آن فسق، توبه کنند که در این حالت شهادت آن ها پذیرفته است».

شراب خواری: خوردن مسکر در صورت اثبات در محکمه موجب حد جلد است. اضافه بر مجازات اصلی، مجرم از حق ادای شهادت به عنوان مجازات تبعی نیز محروم می شود. مرحوم محقق حلی در این خصوص می فرماید: «شارب المسکر تردُّ شهادته و یفسق»<sup>۲</sup> «شهادت شراب خوار پذیرفته نمی شود و با شرب مسکر به فاسق بودن او حکم می شود».

تکدی گری: فقهای امامیه تکدی گری را از مصادیق تهمت دانسته اند و آن را از جمله اعمالی می دانند که باعث محرومیت از حق ادای شهادت می شود. آیت الله خوئی در این رابطه بیان می دارند: «لا تسمع شهادة السائل بالكف المتخذ ذلك حرفة له»<sup>۳</sup> «شهادت سائلی که تکدی را پیشه خود قرار داده است، پذیرفته امام خمینی نیز می فرماید: «از مواردی که شهادت فرد پذیرفته نمی شود، سائلی است که در کوچه و بازار به گدایی می پردازد و تکدی را شغل و پیشه خود قرار داده است و از این راه امرار معاش می کند»<sup>۴</sup>. ق.آ.د.د.ع.ا نیز به پیروی از فقه در بند ۸ ماده ۱۵۵، اشتغال به تکدی و ولگردی را مانع پذیرش شهادت به عنوان دلیل شرعی دانسته است.

۱. ابوالقاسم نجم الدین محقق الحلی، همان، ص ۱۲۷.

۲. همان، ص ۱۲۸.

۳. سید ابوالقاسم خویی، مبانی تکلمه المنهاج، جلد یک، دارالزهراء، بیروت، (بی تا)، ص ۹۸.

۴. روح الله الموسوی الخمینی، همان، ص ۴۴۳.

علاوه بر حقوق کیفری اسلام که شهادت را یکی از ادله مهم برشمرده است و شرایط دشواری نیز برای پذیرش آن مقرر کرده است، حقوق کیفری یهود نیز که ماندگی فراوانی با حقوق کیفری اسلام دارد، شهادت را یکی از ادله اثبات دعوی معرفی کرده است و برای آن مقررات و شروطی وضع کرده که از آن جمله می توان به مرد بودن، بلوغ، آزاد بودن و شایستگی اشاره کرد. در حقوق یهود، شهادت تنها دلیل مورد قبول در بسیاری از دعاوی بود و اثبات دعوا با شهادت موضوعیت داشت و علم به هر طریقی به جز شهادت حاصل می شد، کفایت نمی کرد. در اهمیت شهادت از نظر حقوق کیفری یهود همین کافی است که در این باره بیان داشته اند: «کشف حقیقت و برقرار ساختن آن تنها به لیاقت و شایستگی و انصاف داوران بستگی ندارد، بلکه به میزان بیشتری به قابل اعتماد بودن گواهان بسته است. بدین جهت، قانون تلمود<sup>۱</sup>، عالی ترین مراتب شایستگی را که از قضات انتظار دارد، از شهود نیز خواستار است. تا شخص به پاک دامنی و نیک نامی مشهور نباشد و شهادت او کاملاً بی طرفانه و عاری از منافع شخصی تلقی نگردد، گواهی او پذیرفته نمی شود»<sup>۲</sup>.

در حقوق جزای یهود، علاوه بر زنان و کودکان و بردگان، افرادی که دارای سوء سابقه قضایی بودند، شهادتشان پذیرفته نمی شد. بر این اساس شهادت فقط در صورتی معتبر است که شاهد قبلاً مرتکب جرایم کیفری از هیچ نوعی نشده باشد و لذا افرادی که پیشتر مرتکب جرم شده اند، نمی توانند شهادت دهند. شهادت کسانی که مشکوک به خیانت به مال دیگران باشند و شهادت قماربازان حرفه ای، رباخواران، غاصبان و ستمکاران پذیرفته نمی شود<sup>۳</sup>.

قلمداد کردن محرومیت از ادای شهادت به عنوان مجازات اجتماعی از این نظر قابل ایراد است که منطقاً ادای شهادت حق نیست بلکه برای شخص مطلع از موضوع، یک تکلیف محسوب می شود که باید برای روشن شدن قضیه و رسیدن حق به صاحب آن به وظیفه خود عمل کند. در اصل، شاهد از ادای شهادت هیچ

---

<sup>۱</sup> اولین منبع حقوق جزای یهود کتاب مقدس (تورات) است. تورات دارای پنج سفر است که مسائل مختلف شرعی و حقوقی بطور پراکنده در آن ها گنجانده شده است. در کنار تورات، به همت جمعی از دانشمندان یهود، به منظور حفظ شریعت، کتابی با عنوان میشنا (نسخه ثانی) تألیف شد. میشنا تفسیر تورات و شامل فتاوی و احکام علما و ربانیون اعصار گذشته به انضمام تأویلات و شروح و حواشی دانایان زنده در آن عصر بود. میشنا خود مورد شرح و تفسیر واقع شد و کتابی به نام گمارا (به معنای تکمیل) پدید آمد. از تلفیق میشنا و گمارا مجموعه عظیم شکل گرفت که تلمود، به معنای تعلیم، نامیده شد. در این مجموعه عظیم مسائل فقهی و حقوقی و موضوعات کیفری و ادله اثبات و... به تفصیل بیان شده است.

- جان بی ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، چاپ هشتم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵، ص ۵۵۷.

<sup>۲</sup> راب اُ کهن، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، چاپ زیبا، ۱۳۵۰، ص ۳۰۹.

<sup>۳</sup> حسین سلیمانی، ادله اثبات دعوا در آیین یهود، فصلنامه هفت آسمان، شماره یک، ۱۳۷۸، صص ۷۲ - ۷۱.